



یادداشت

به امید زنده‌ایم

نوید کامرانی

نویسنده

سال‌ها پیش از اواخر فروردین ماجرا شروع می‌شد. هر کسی یک لیست بلند بالا از کتاب می‌نوشت و در شبکه‌های اجتماعی منتشر می‌کرد؛ «که من امسال قصد دارم از نمایشگاه کتاب، اینها را بخرم» و بعد از آن برنامه‌ریزی و هماهنگی بین گروه‌های مختلف برای دیدار در نمایشگاه و گشت و گذار اتفاق می‌افتاد. مرحله آخر هم انتشار عکس کتاب‌ها بود.

لیست کتاب‌ها آنقدر بلند بود که اغلب با یک چمدان خالی وارد نمایشگاه می‌شدیم و کتاب‌ها را داخل چمدان می‌چیدیم که راحت‌تر حملش کنیم و از این غرفه به آن غرفه برویم. آن روزها که ما نوجوان بودیم، اوایل هر سال، از نوروز و اتفاقاتش که می‌گذشتیم، سرمان گرم برنامه‌های مربوط به نمایشگاه کتاب می‌شد و در طول سال هم برنامه‌ریزی برای خواندن آن کتاب‌ها که خریده بودیم.

مسابقه بود انگار، اگر کسی اول سال لیست بلند بالایی ارائه می‌کرد و سال تمام نشده اعلام می‌کرد همه‌شان را خوانده، برنده این مسابقه بود و آنان که تا پایان سال کتاب نخونده از لیست‌شان می‌ماند، بازنده بودند.

مسابقه جالبی بود بین نسل ما. آن روزها کتاب خواندن افتخار داشت و صحبت کردن و گپ زدن از کتاب‌ها و نویسنده‌ها یکی از محمول‌ترین موضوعات هر جمعی بود.

حالا اما همه چیز متفاوت شده، نه‌تنها بین نسل جوان کتاب خواندن افتخار ندارد که جامعه هم به همین سمت در جریان است. خود ما که عاشقانه نمایشگاه را دوست داشتیم و کتاب جزو جدانشدنی زندگی‌مان بود هم دیگر رغبتی به شروع نمایشگاه نداریم.

ناشرهای معتبر حاضر در نمایشگاه هر سال کمتر و کمتر می‌شوند و اوضاع نمایشگاه ضعیف و ضعیف‌تر.

منطقی این است که به‌جای حضور در نمایشگاه از کتابفروشی‌های خیابان انقلاب خرید کنیم که در آن زمان تخفیف‌های خوبی هم دارند و می‌توان بدون کم کردن از کیفیت به کمیت اضافه کرد و کتاب‌های خوب بیشتری خرید.

همین چند روز پیش روی میل نشستیم بودم و داشتم متنی می‌نوشتم که دوستم با دو تا فنجان چای آمد بالا سرم. فنجان را از دستش گرفتم، روی میز گذاشتم و گفتم: «ولی ما می‌ریم، نمایشگاه رو دور می‌زنیم، آشناها رو می‌بینیم، سیب‌زمینی سرخ‌کرده می‌خوریم، بعدش هم می‌ریم انقلاب کتاب می‌خریم.»

یک نقد برداشتم، کمی از چای نوشیدم و به این فکر کردم که من هنوز هیچ لیست کتابی نداشته‌ام، حتی برنامه امسال‌م را مشخص نکرده‌ام که می‌خواهم چه بخوانم، یا از کدام نویسنده شروع کنم و یا کدام‌شان سال را تمام کنم.

ما هنوز هم نمایشگاه کتاب رفتن‌مان ترک نمی‌شود، هرسال می‌رویم، از میان غرفه‌ها با حسرت عبور می‌کنیم، خودمان را به حیاط پشتی و کنار درختچه‌های یاس می‌رسانیم، رفقایمان را می‌بینیم، گپ می‌زنیم، به حیاط اصلی برمی‌گردیم و سیب‌زمینی سرخ‌کرده می‌خوریم و بدون خرید حتی یک جلد کتاب برمی‌گردیم.

ما سال‌هاست برای مرور خاطره و تازه‌کردن دیدار به نمایشگاه کتاب می‌رویم، نه برای کتاب‌ها و دیدار با نویسنده‌های محبوب‌مان؛ همان کاری که کافه‌ها برای ما می‌کنند. اما جدأ و کاملأ با حرفی که این روزها باب شده و زیاد می‌شنویم که نمایشگاه کتاب را تحریم کنیم و نرویم و غیره و ذلک مخالفم.

ما به امیدی هنوز و همیشه پیگیرش هستیم و حمایتش می‌کنیم. به امید اینکه روزی دوباره حالت خوب شود، دوباره نمایشگاه کتاب بشود و دوباره با لیست بلندی از کتاب‌ها سراغش برویم، آنقدر بلند که یک روز جوابگومان نباشد و لازم بشود چند بار میان غرفه‌ها بچرخیم و در بهشت کتاب نفس بکشیم.

دل‌مان خوش به این امید است و آن تصویر زیبا که از سال‌ها پیش خاطرمان هست. امید داریم که بخت یار باشد و فرزندان‌مان هم آن زیبایی محض و لذت‌ناز را بچشند.



ما سال‌هاست برای مرور خاطره و تازه‌کردن دیدار به نمایشگاه کتاب می‌رویم، نه برای کتاب‌ها و دیدار با نویسنده‌های محبوب‌مان؛ همان کاری که کافه‌ها برای ما می‌کنند

درج می‌شود. پس این امکان وجود دارد تا در زمان خرید، بتوانید دستگاه‌هایی با مصرف آب کمتر را انتخاب کنید. در آپارات دیده‌ام که ژاپنی‌ها سینک دستشویی را متصل می‌کنند به توالت فرنگی تا برای سیفون کشیدن از آبی استفاده بشود که قبلاً استفاده شده. ژاپن با این کار ساده اما خلاقانه، سالانه میلیون‌ها لیتر آب صرفه‌جویی می‌کند و اینجا فقط هزینه می‌کنند برای ساخت فیلم و پوستر و آب کمتر، زندگی بهتر و این چیزها.

پدربزرگی که در این میزگرد حضور داشت، گفت: درست است که ما جزو کم مصرف‌های آب خانگی هستیم ولی همانطوری که می‌دانید مسأله اصلی، نداشتن آب است، نه هزینه آن، چرا متوجه نیستید که دیگر آب نیست؟ پس مهم نیست که این آب کجا مصرف شود. مهم این است که بهینه مصرف بشود. دوم اینکه ما سال‌هاست نتوانستیم نیروی تحصیلکرده را در جامعه کشاورزی تزیق کنیم. اغلب کشاورزی سنتی پرمصرف و کم بازده داریم. صرفه‌جویی در مصرف آب، فقط کاهش مستقیم آب نیست. درست استفاده کردن کالاهای مصرفی، خودش مصداقی از صرفه‌جویی آب است. مثلاً ردیای آب در تعدادی از کالاهای رایج، یک همبرگر را اگر حیف و میل کنیم یعنی ۲۴۰۰ لیتر آب را هدر دادیم.

به خاطر گرمایش جهانی، بارندگی در طول زمان کاهش پیدا می‌کند ولی میزانش تغییر نمی‌کند یعنی در تعداد بارش کمتر، باران بیشتری می‌بارد و به خاطر نابودی باغ‌ها و جنگل‌ها، ساخت و سازها، نفوذ آب به زمین، کاهش پیدا می‌کند و آب روان خواهد شد و در نتیجه وقوع سیل بیشتری خواهیم داشت.

دوست جنوبی‌مان می‌گوید: من حتی باقیمانده لیوان آبم را هم پای گل در گلدان می‌ریزم ولی شیر آب را که باز می‌کنیم، نیم ساعت باید بگذرد تا کمی آب خنک شود و دست و رویی بشویم. با این اوصاف برای ما جنوبی‌ها در مورد صرفه‌جویی در مصرف آب چه راهکاری هست؟ جهرم که بودم، گاهی آب را برای شستن دست و صورتم در یخچال می‌گذاشتم. به نظرم می‌شود در یک جای خنک و سایه‌دار، مخزن آبی داشته باشیم، پمپ هم آب را از مخزن به خانه بفرستد. معمولاً آب جنوب گرم نیست چون توزیع آب شهری زیرزمین خنک هست و قسمت‌هایی که از لوله ورودی ساختمان آفتاب‌خور هستند گرم می‌شوند. تو قدر آب ندانی که در کنار فراتی! آب ما جنوبی‌ها واقعاً مشکل اساسی دارد. آب از آب تکان نمی‌خورد.

سعید می‌گوید: سازمان آب درباره گذر از خشکسالی با صرفه‌جویی در مصرف آب، دروغ می‌گوید؛ هیاهو برای هیچ است. خودم از بس به کسانی که با آب، حیاط و خودرو می‌شویند یا آب را اسباب سرگرمی کرده‌اند، تذکر داده‌ام که گاو پیشانی سفید شده‌ام، اما فعالیت خود سازمان آب جز چهار تا بئر و بیل‌بورد چیست؟ دقیقاً هیچ.

نتیجه تماس و گزارش اسراف آب به سامانه ۱۲۲ هم چیزی نیست جز معطل شدن طولانی پشت خط، قطع شدن ناگهانی و ارجاع به سیستم نظرسنجی، ثبت توسط اپراتور و باز هم دقیقاً هیچ. پاسخ امروز اپراتور به سؤال «شما برای این گزارش‌ها اقدامی هم می‌کنید؟» این بود: دوست داشتید زنگ بزنید، نشد هم نزنید! قطع تماس. واقعاً بد نیست که سازمان آب توضیح دهد که جز نامه هشدار قطع آب در صورت داشتن بدهی و اعلام قیمت تمام‌شده توزیع آب و منت‌گذاری سر مردم، چه کار عملی برای گذر از خشکسالی کرده‌اند؟

سمیه، مادر امیرمحمد می‌گوید: ولی ما باید به طور کلی، صرفه‌جویی در مصرف آب، برق، مواد غذایی، صابون، شامپو و خمیردندان را با فرزندان‌مان تمرین کنیم. حتی اگر در این زمینه گاهی متهم به زیاده‌روی هم شویم، ولی واقعیت این است که فهم درست از محدودیت منابع اگر از کودکی در ذهن فرد جا بیفتد، ماندگارتر، پایدارتر و مفیدتر خواهد بود. من حتی فکر می‌کنم علما باید بیایند و در زمینه وسواس نداشتن هنگام طهارت، وضو و غسل، فتوا دهند.

حدوداً هشت، نه سال قبل، دبیر جغرافیای مدرسه‌ما، سر کلاس برای ما از کم آبی، بحران آب و لزوم صرفه‌جویی در مصرف آب صحبت می‌کرد. حتی یادم است که یک بار می‌گفت کف حمام خانه‌شان هم تذکر برای مصرف درست آب را نوشته است. بعد از آن روز یادم است که من هم با مازیک هایلایت روی کاغذهای آبیچ نوشتم: بحران آب؛ لطفاً در مصرف آب صرفه‌جویی کنید. با تشکر! کاغذها را هم هر جای خانه که مصرف آب داشتیم گذاشتم، یک‌جایی جلو چشم به دیوارها چسباندم و تازه توجهم به نحوه استفاده از آب جلب شد اما واکنش هر کسی که به خانه ما می‌آمد و آن نوشته‌ها را می‌دید، جالب بود. اکثرآ بی‌توجه بودند یا معتقد بودند که آب هست و این حرف‌ها الکی است و گاهی حتی این‌کار من را به سخره می‌گرفتند! حالا ما آدم‌هایی که آن روزها با بی‌تفاوتی از کنار عبارت بحران آب گذشتیم، بنشینیم و تماشا کنیم و در صفحه‌های مجازی‌مان هشتگ بزنیم و باز همان کارهای هشت، نه سال قبل را انجام بدهیم و از اهمیت نقش فردی خود در کنترل بحران آب با مصرف درست و صرفه‌جویی غافل باشیم؟

مطمئناً علاوه بر این راهکارها، راه‌های دیگری نیز وجود دارند که همه ما باید آنها را به درستی رعایت کنیم تا دچار مشکلات مربوط به کم‌آبی نشویم. شما چطور فکر می‌کنید؟

دوش را باز کنم. صدای شرشر آب، عذاب وجدانم را بیدار می‌کند. اقدامات کوچک در مورد آب می‌کنم که کمی آسوده باشم و مثلاً حواسم به آب و انرژی باشد. من، همان شهروند عادی، هیچ وقت آموزش محافظت از محیط زیست را در دوران تحصیلی که دولتی و عمومی بوده ندیدم، از رسانه ملی که بازوی قوی در آموزش همگانی است هم چیزی عاید من نشده است، فعالان محیط زیست هم یا برچسب امنیتی خوردند و اخراج شدند یا در زندان هستند و آنان هم که هستند تمام تلاش‌شان را می‌کنند و صدایشان به زور اگر به گوش کسی برسد. من شهروند عادی چه کنم؟

پادکست دایجسک اپیزودی دارد به نام علت کم آبی ایران؛ که در آن مفاهیم اساسی آب را توضیح می‌دهد. در مورد ایران و جغرافیای آن توضیح می‌دهد که وضعیت منابع آبی ما به چه صورت است. از مصارف خانگی،

رضا می‌گوید ولی موضوع اصلی این است که تأکید همه‌جانبه بر صرفه‌جویی آب از جانب شهروندان، غلط دادن آدرس است. از بیست سال پیش بر این صرفه‌جویی مردمی تأکید می‌شد اما همگان در سال‌های اخیر از سیاست‌های نادرست مسئولان در این حوزه مطلع شده‌اند. واقعاً موضوع این است که به وجود آوردن احساس عذاب وجدان عدم صرفه‌جویی آب در مردم که از اوایل دهه هفتاد باب شد، متناسب با تلاش برای جلوگیری از هدررفت آب در بخش کشاورزی و سوءمدیریت مسئولان در سایر بخش‌های مدیریت آب، نبوده است.

این راهکارها برای جایی که مسئولانش از یک حرف فرهنگی، سوءاستفاده ابزاری دارند و در نتیجه آن را تبدیل به یک ترفند برای خالی کردن جیب مردم نکنند، کاربرد دارد. صرفه‌جویی در مصرف آب خانگی، یک شعار است. دولت انگار می‌گوید: مردم! ما



کشاورزی و صنعتی آب حرف می‌زند و کلیدواژه امنیت-غذایی و نیاز ما به تأمین مواد غذایی را شرح می‌دهد. ما از سبب ارومیه بگیر تا هندوانه‌ای که این روزها حرف آن است. در مورد سد و مزایا و معایب آن توضیحاتی ارائه می‌دهد. من شهروند عادی، الان اطلاعات بیشتری نسبت به قبل، از مسأله خوزستان، سیستان و بلوچستان و البته تمام ایران در حوزه محیط زیست دارم. من شهروند عادی، اکنون حساس هستم به تولیدات کشاورزی ایرانی که آب مصرفی آن به صرفه نیست. اگر قبلاً از آمار صادرات میوه خوشحال می‌شدم الان می‌دانم که ضررش بیشتر است و حداقل خوشحال نمی‌شوم. اگر قبلاً از اینکه یزد را با صنایع فولاد تجهیز می‌کردند، غرور ملی به من دست می‌داد، الان نه. وقتی شیر آب را باز می‌کنم به این فکر می‌کنم این شیر آب آرزوی خیلی‌هاست. شده یک قاشق کمتر مصرف کنیم، انجامش بدهیم. حمام را مدیریت کنیم. کولرها را تنظیم کنیم. شده یک قاشق آب کمتر.

آب برای بسیاری از ما مقدس است، چون حیات ما به آب وابسته است. ساختار بد طراحی شده منازل باعث می‌شود برای کاهش مصرف آب و انرژی به زحمت بیفتیم. شستن ظروف یکی از اقداماتی است که آب زیادی مصرف می‌کند. زمانی که ظرف‌ها را با دست می‌شوید و برای از بردن لکه‌های چربی روی ظروف مجبور به شستن چندباره آنها می‌شوید، چیزی در حدود ۱۰۰ لیتر آب هدر می‌رود. پس شاید بهتر باشد ظروف را با ماشین ظرفشویی بشویم. امروزه با پیشرفت تکنولوژی، مدل‌هایی از ماشین ظرفشویی به بازار آمده‌اند که به سیستم شست‌وشوی نیمه مجهز هستند. مصرف آب ماشین ظرفشویی در این مدل‌ها، نسبت به مدل‌های قبلی، بسیار پایین‌تر است. از طرفی در مدل‌های جدیدتر معمولاً مصرف آب ماشین ظرفشویی در کنار برچسب مصرف انرژی، روی دستگاه

نمی‌توانیم مصرف آب و صنعت کشاورزی را اصلاح کنیم، ولی شما کم مصرف کنید! واقعاً چند سال قبل می‌گفتند که هدررفت آب، حدود هشتاد درصد در بخش کشاورزی است، سیزده درصد هم بخش صنعت و تنها شش هفت درصد را بخش خانوار شامل می‌شد. اگر واقعاً به فکر آب هستند بیایند از کشاورز حمایت کنند تا از هدررفت آب جلوگیری شود، نه درصد جزئی خانوارها را در فشار قرار دهند. اصلاً مشخص نیست که آیا تابستان امسال هم باید خودمان را برای جیره‌بندی مصرف آب آماده کنیم یا خیر.

من یک شهروند عادی هستم. عادی، یعنی نه فعال مردمی هستم و نه فعال محیط زیستی، نه کنشگر اجتماعی و نه حتی یک ریال از بیت‌المال را به من دادند که برای رسانه‌ای کار کنم ولی وقتی اخبار سیستان و بلوچستان و خوزستان را می‌خواندم معلوم است که غمگین می‌شوم، قلبم درد می‌گیرد و بعد حتی خشمگین می‌شوم. شما را نمی‌دانم. حتی جرأت ندارم بروم حمام